

فرا تحلیل مطالعات مربوط به تأثیر جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی

Bivariate Comparison of Gender and English Language Learning: A Meta-Analysis of the Empirical Studies

فاطمه همتی^۱ و مریم شریفی^{۲*}

پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، ترکیب نتایج کمی حاصل از پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه تأثیر جنسیت بر یادگیری زبان انگلیسی با بهره‌گیری از روش فراتحلیل است.

روش: جامعه آماری تحقیق را کلیه مطالعات انجام گرفته تا سال ۱۳۹۳ در تمامی مقاطع تحصیلی نظام آموزشی ایران تشکیل می‌دهد. در مجموع ۱۷۷ مقاله شامل ۲۸۹ اندازه اثر مربوط به جنسیت مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. سپس ۲۶۳ اندازه اثر به تفکیک برای گروه دخترها و ۲۶۳ اندازه اثر برای گروه پسرها محاسبه گردید. جهت بررسی شاخص‌های آماری پژوهش‌های منتخب از نرم‌افزار جامع فراتحلیل ویرایش ۲ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج ترکیبی نشان‌دهنده اندازه اثر کوچک (۰/۱۴) و دامنه تغییرات محدود مقادیر مربوط به تأثیر عامل جنسیت بود. میانگین اندازه اثر ترکیبی مدل ثابت و تصادفی برای گروه دخترها به ترتیب برابر با ۱/۱ و ۱/۲۲ و برای گروه پسرها به ترتیب برابر با ۱/۱۱ و ۱/۹ بود. اندازه اثر ترکیبی قبل از تحلیل حساسیت نشان داد که در این پژوهش‌ها پسرها نتایج بهتری کسب کرده‌اند؛ اما بعد از تحلیل حساسیت و حذف ۸۷ اندازه اثر از گروه دخترها و ۸۳ اندازه اثر از گروه پسرها اندازه اثر در دو گروه تقریباً برابر شد. به طوری که میانگین اندازه اثر ترکیبی مدل ثابت و تصادفی برای گروه دخترها و پسرها به ترتیب برابر با ۰/۹۴ و ۰/۹۵ بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که اندازه اثرهای به دست آمده بر اساس ملاک کوهن بزرگ هستند ولی در مورد یادگیری زبان انگلیسی تفاوت معناداری میان زبان‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد. در تحلیل اندازه اثرها به تفکیک مؤلفه‌های مختلف یادگیری زبان انگلیسی نیز تفاوت معناداری مشاهده نشد.

کلیدواژه‌ها: تفاوت‌های جنسیتی، یادگیری زبان انگلیسی، فراتحلیل.

۱. دانشیار، گروه آموزش زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه آموزش زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه پیام نور، ایران.

۱. مقدمه

وجود تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از ابزار زبان برای برقراری ارتباط همواره مورد توجه محققان بوده و در دهه‌های اخیر به حقیقتی روانشناختی مبدل شده است. آناستازی^۱ (۱۹۵۸)، به نقل از هاید و لین^۲، (۱۹۸۸) در بخشی از کتاب مشهور خود تحت عنوان "روانشناسی افتراقی" ادعا کرد که زنان از دوران کودکی تا بزرگسالی در عملکرد زبانشناختی و کلامی بر مردان برتری دارند. لیکاف^۳ (۱۹۷۵) در کتابی تحت عنوان "زبان و جایگاه زن" به تحلیل تفاوت‌های زبانشناختی موجود میان مردان و زنان پرداخت و فراگیری زبان را کاملاً وابسته به جنسیت دانست. کتاب‌های بسیاری در دهه‌های اخیر در زمینه نقش جنسیت در توانایی‌های زبانی به‌ویژه روانی کلام به‌عنوان واقعیتی اثبات شده به چاپ رسیده است (پینکر^۴، ۲۰۰۷؛ کالب و ویشو^۵، ۲۰۰۱؛ میلندر^۶، ۲۰۰۸). همچنین پس از چاپ مقاله "زبان و جنسیت" توسط هولمز^۷ (۱۹۹۱) در مجله آموزش زبان، تحقیقات میان‌رشته‌ای وسیعی در این زمینه صورت گرفت (برگوال، بینگ و فرید^۸، ۱۹۹۶؛ کامرون^۹، ۱۹۹۸؛ باکولتز، لیانگ و ساتون^{۱۰}، ۱۹۹۹؛ هالپرن^{۱۱}، ۲۰۰۰؛ وود^{۱۲}، ۲۰۰۷؛ نیومن، گروم، هندلمن و پنیکر^{۱۳}، ۲۰۰۸؛ ولنتین^{۱۴}، ۲۰۰۹).

باور عمومی این است که مهارت‌های کلامی و زبانشناختی زنان از دوران کودکی تا بزرگسالی همواره برتر از مهارت‌های مردان است و دخترها از سنین پیش‌دستانی بسیار بهتر از همسالان پسر به ابزاز افکار و احساسات خود در قالب کلام می‌پردازند. آن‌ها اولین کلمات خود را زودتر و واضح‌تر ادا می‌کنند، از جملات طولانی‌تری استفاده می‌کنند و فصیح‌تر صحبت می‌کنند. اگرچه با ورود به دبستان تفاوت‌های لغوی آشکاری در بین این دو گروه مشاهده نمی‌شود، اما دخترها خواندن را زودتر فرامی‌گیرند و به‌طور متوسط تعداد دانش‌آموزان پسر نیازمند کلاس‌های تقویتی خواندن بیشتر است. در مجموع دخترها در دوره دبستان نسبت به همسالان پسر عملکرد بهتری در آزمون‌های املاء، دستور زبان و بیان شفاهی دارند. برخی محققان نیز معتقدند که زنان هم در

-
1. Anastasi
 2. Hyde & Linn
 3. Lakoff
 4. Pinker
 5. Kolb & Whishaw
 6. Mildner
 7. Holmes
 8. Bergvall, Bing, & Freed
 9. Cameron
 10. Bucholtz, Liang, & Sutton
 11. Halpern
 12. Wood
 13. Newman, Groom, Handelman, & Pennebaker
 14. Wallentin

سطوح بالاتر کلام چون مقایسه و درک مطالب پیچیده و هم در سطوح پایین تر چون مقیاس روانی کلام همواره رتبه‌های بالاتری در زمینه مهارت‌های گفتاری (تولیدی) و شنیداری (دریافتی) کسب می‌کنند (مک‌کابی و ژاکلین، ۱۹۷۴).

پیش از بررسی تفاوت‌های جنسیتی این سؤال مطرح می‌شود که چرا باید میان نظام فراگیری زبان زنان و مردان تفاوتی وجود داشته باشد. تاکنون نظریه‌های مختلفی برای پاسخ به این سؤال مطرح شده است که نظریه "شکارچی-گردآورنده" (کالب و ویشو، ۲۰۰۱؛ میلندر، ۲۰۰۸) یکی از آن‌ها می‌باشد. براساس این نظریه تفاوت‌های جنسیتی فرضی ریشه در توانایی‌های شناختی ناشی از شیوه تقسیم کار بین دو جنس در گذر تاریخ دارد که در آن مردان عمدتاً نقش شکارچی را بر عهده داشتند درحالی‌که زنان گردآورنده مواد غذایی بوده‌اند. با توجه به این شیوه فعالیت، مردان در طول شکار بیش از زنان به اکتشاف در قلمروهای وسیع می‌پرداختند و این امر به نوبه خود موجب پیشرفت مهارت‌های فضایی و مکانی آن‌ها می‌شد درحالی‌که حضور زنان در گروه‌های اجتماعی موجب بهره‌مندی آن‌ها از ابزارهای ظریف تعاملات اجتماعی همچون زبان بود؛ بنابراین، طبق این نظریه مهارت‌های زبانی زنان بهتر از مردان است.

بررسی پیشینه مطالعات نشان می‌دهد که نقش جنسیت به همراه سایر متغیرها در یادگیری زبان دوم نیز مورد توجه بوده و ماهیت این نوع پژوهش در طول زمان تغییر یافته است. فرامرزپور و توحیدی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای یادگیری زبان انگلیسی را بر اساس جنسیت شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار داده و چنین نتیجه‌گیری کردند که میان پسرها و دخترها در یادگیری درس زبان انگلیسی تفاوت معناداری وجود دارد و دخترها نسبت به پسرها در یادگیری این درس موفق‌تر هستند. پیشقدم (۱۳۸۷) نیز به بررسی ارتباط میان راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی در میان ۳۰۰۰ زبان‌آموز دختر و پسر پرداخت. یافته‌ها حاکی از وجود تفاوت معنادار میان راهبردهای حافظه‌ای، اجتماعی و فراشناختی در متغیر جنسیت بود. به این معنی که پسرها نسبت به دخترها از راهبردهای مذکور بیشتر استفاده کرده بودند. همچنین مهین‌پو (۱۳۹۲) با بررسی رابطه میان هوش چندگانه و جنسیت افراد نشان داد که میان هوش زبانی و متغیر جنسیت ارتباط معناداری وجود دارد به طوری که مردان هوش زبانی بالاتر و زنان هوش زبانی متوسطی داشتند. لازم به ذکر است که مطالعات دیگری نیز در دهه‌های اخیر صورت گرفت که نشان‌دهنده عدم وجود ارتباط معنادار میان مهارت‌های کلامی، سبک تفکر و متغیر جنسیت بود (صدیقی، پورگیو و قنواتی، ۱۳۸۴؛ آقااحمدی و میشرنیا، ۱۳۸۶؛ پورشعبانی، قلی‌زاده و اسحاق‌نیموری، ۱۳۹۱؛ گراوند، سبزیان، کامکار و کرمی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین، اختلاف‌نظرهای گسترده‌ای در زمینه نقش تعدیل‌کننده جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد.

علی‌رغم نتایج مختلف مطالعات مبنی بر وجود یا عدم وجود تفاوت معنادار میان یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت، باید اقرار کنیم که اطلاعات کافی در زمینه ماهیت تفاوت‌های جنسیتی توانایی‌های کلامی و طبقه‌بندی زمانی تفاوت‌های احتمالی نداریم و نیز به‌کارگیری نظریه‌های مختلف در نظام پیچیده‌ای چون زبان به‌عنوان بخش منحصربه‌فرد رفتار انسان که مقایسه آن را در گونه‌های انسانی ناممکن می‌سازد، عاری از نقص نیست. این مسأله رد نظریه‌ها و یا بررسی علمی آن‌ها را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (گانون^۱، ۲۰۰۲). در مجموع، وجود چنین تعارض‌هایی زمینه را برای تحقیقات بیشتر در مورد نقش تفاوت‌های جنسیتی در فراگیری زبان فراهم می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بسط دانش ماهیت تفاوت‌های جنسیتی در یادگیری زبان انگلیسی با انجام فراتحلیلی از تحقیقات اولیه موجود در این زمینه است.

مروری بر تاریخچه مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی به منظور درک شیوه فراتحلیل در شفاف‌سازی ماهیت تفاوت‌های جنسیتی روانشناختی الزامی است. فراتحلیل هاید (۱۹۸۱) از جمله فراتحلیل‌های اولیه در زمینه تفاوت‌های جنسیتی روانشناختی بود که به بررسی ۲۷ پژوهش انجام گرفته بر روی زبان‌آموزان ۱۱ سال به بالا پرداخت. او معتقد بود واگرایی توانایی‌های کلامی از این سن آغاز می‌گردد. سپس با محاسبه شاخص کوهن^۲ (۱۹۸۸) چنین نتیجه‌گیری کرد که اندازه اثر تفاوت‌های جنسیتی چندان بزرگ نیست (۰/۲۴). پس از آن استفاده از روش‌های آماری در فراتحلیل‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد که مهم‌ترین آن‌ها روش آماری همگنی یافته‌ها توسط هجز^۳ (۱۹۸۲) و پژوهشگرهایی چون روزنتال و رابین^۴ (۱۹۸۲) بود. این شیوه آماری محققان را قادر می‌سازد به بررسی یکپارچگی نتایج حاصل از مطالعات اولیه بپردازند. به‌عنوان مثال، با استفاده از این روش می‌توان اندازه تغییرات تفاوت‌های جنسیتی را براساس مؤلفه‌های مختلف توانایی‌های کلام از جمله روانی کلام، نوشتار و حتی استفاده از راهبردهای یادگیری زبان بررسی کرد؛ بنابراین، فراتحلیل‌های کنونی در مقایسه با فراتحلیل‌های پیشین قادر هستند به سؤالات پیچیده‌تری پاسخ دهند.

در بررسی مجموع فراتحلیل‌های منتشر شده این نکته آشکار است که هر یک از این پژوهش‌ها به تحلیل تأثیر جنسیت در بخش خاصی از آموزش زبان پرداخته‌اند. برای مثال، هاید و لین (۱۹۸۸) فراتحلیل جامعی شامل ۱۶۵ پژوهش اولیه صورت گرفته بر روی کودکان و بزرگسالان انجام دادند که ارتباط میان جنسیت و آزمون‌های واژگان، قیاس، جمله‌سازی، درک مطلب، گفتار و یا سایر مهارت‌های مربوط به ارتباطات کلامی، انشاء، تست استعداد تحصیلی^۵ و آزمون‌های عمومی

1. Gannon

2. Cohen

3. Hedges

4. Rosenthal & Rubin

5. Scholastic Aptitude Test

مهارت‌های کلامی مانند آزمون کلامی دانشگاه‌های آمریکا را بررسی کرد. یافته‌های ۴۴ پژوهش اولیه (۲۷٪) نشان داد که دخترها به‌طور قابل‌توجهی عملکرد بهتری نسبت به پسرها داشتند. در ۱۰۹ پژوهش (۶۶٪) هیچ تفاوت معناداری در زمینه تفاوت جنسیتی وجود نداشت و در ۱۲ مورد (۶٪) پسرها عملکرد بهتری نسبت به دخترها داشتند. به‌طور کلی، یافته‌ها حاکی از برتری نسبی دخترها بود ولی هنگامی که اندازه اثر وزنی مطالعات مختلف براساس تعداد شرکت‌کنندگان محاسبه گردید، نتیجه مطابق با یافته‌های بزرگترین مطالعه صورت گرفته (با بیش از ۹۰۰۰۰۰ شرکت‌کننده) معکوس شد که نشان‌دهنده برتری جزئی پسرها بود. نویسندگان چنین نتیجه‌گیری کردند که: "اندازه اثر تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌های کلامی در حال حاضر به قدری کوچک است که می‌توان آن را برابر با صفر در نظر گرفت" (هاید و لین، ۱۹۸۸: ۶۴). آن‌ها همچنین تأثیر معنادار جنسیت محققان را گزارش کردند به این معنی که نویسندگان اول زن اندازه اثر بزرگ‌تری به‌دست آورده بودند و در نتیجه یافته‌های آن‌ها حاکی از برتری عملکرد زنان بود. آن‌ها یافته خود را چنین تبیین کردند که ممکن است محققان باورهای خود و یا کلیشه‌های مربوط به جنسیت را در تفسیر نتایج نهایی اعمال کنند. در فراتحلیلی دیگر اشتون و مک‌فارلند^۱ (۱۹۹۱) با مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته بر روی ۱۰۳۶ شرکت‌کننده دریافتند که هیچ تفاوت معناداری میان مهارت‌های زبانی زنان و مردان وجود ندارد. فراتحلیل انجام گرفته توسط استلینر و استنبرگ^۲ (۲۰۰۵) با بررسی ۱۴ پژوهش منتخب نشان داد که در آموزش الکترونیکی میان شرکت‌کنندگان از نظر جنسیت تفاوتی وجود ندارد و دلیلی برای آموزش متفاوت این دو گروه وجود ندارد (میانگین اندازه اثر = ۰/۱۷). نتایج فراتحلیل صورت گرفته توسط مدلند، گفن و مک‌فرلند^۳ (۲۰۰۲) بر روی ۳۶ پژوهش منتخب نشان داد که تفاوت کوچک اما معناداری میان زنان و مردان از نظر مهارت‌های زبانی وجود دارد (میانگین اندازه اثر = ۰/۱). در فراتحلیلی نسبتاً متفاوت ایگلی و کارلی^۴ (۱۹۸۱) تأثیر جنسیت نویسنده اول مقالات را در یافته‌ها مورد بررسی قرار دادند و با تحلیل نتایج ۶۱ مطالعه منتخب دریافتند که رابطه مستقیمی میان جنسیت نویسنده و اندازه اثر آن مطالعه وجود دارد. آن‌ها اعلام کردند دلایل تأثیر جنسیت نویسنده بر یافته‌ها مشخص نیست اما ممکن است عملکرد شرکت‌کنندگان در هر تحقیق تحت تأثیر جنسیت محقق (نویسنده) واقع شود؛ بنابراین، نتیجه گرفتند که جنسیت نویسنده اول مقالات در یافته‌ها تأثیر دارد. عرفانی‌آداب، مصرآبادی و زوار (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری بر پیشرفت تحصیلی با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده جنسیت پرداختند (میانگین اندازه اثر دخترها = ۰/۸۳ و پسرها = ۰/۸۴) و نتیجه گرفتند که جنسیت نقش تعدیل‌کننده در

-
1. Ashton & McFarland
 2. Astleitner & Steinberg
 3. Medland, Geffen, & McFarland
 4. Eagly & Carli

روابط بین آموزش راهبردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی ندارد. همچنین جعفری گهر و شریفی (۱۳۹۴) در فراتحلیلی تأثیر جنسیت بر میزان بهره‌گیری از آموزش تلفیقی را بررسی کردند (میانگین اندازه اثر = ۰/۰۰۴) و نتیجه گرفتند که تفاوت معناداری در اندازه اثر مربوط به عامل جنسیت در میزان بهره‌گیری از آموزش تلفیقی وجود ندارد.

اگرچه اندازه اثر در تحقیقات مختلف متفاوت است و نیز میان موضوعات تحت بررسی همپوشانی فراوانی وجود دارد، وجود تعداد کثیری از این مطالعات فرصت برآورد تأثیر عمومی جنسیت در یادگیری مهارت‌های کلامی را به ما می‌دهد. البته در تعمیم یافته‌های چنین پژوهش‌هایی باید کاملاً محتاطانه عمل کرد چراکه این نتایج اغلب برگرفته از مطالعاتی هستند که در شرایطی متفاوت (به لحاظ گروه‌های سنی، امکانات و رشته‌های آموزشی) از جمعیت هدف اجرا می‌شوند.

به‌طور کلی در جستجوی پیشینه به مطالعات مختلفی در زمینه نقش جنسیت در یادگیری برخوردیم که در هر یک از آن‌ها به مسائلی چون مقایسه راهبردها و سبک یادگیری دخترها و پسرها، هوش چندگانه، انگیزش و نگرش، مهارت‌های شناختی و فراشناختی و به‌کارگیری انواع فن‌آوری‌ها در رشته‌ها و گروه‌های سنی مختلف پرداخته شده بود. اگرچه هر یک از این مطالعات نتایج ارزشمندی در برداشتند، اما هیچ‌یک از آن‌ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به سؤال کلی تأثیر یا عدم تأثیر جنسیت در فرایند یادگیری زبان نبودند. همچنین علی‌رغم جستجوی گسترده، فراتحلیل جامعی که عمده پژوهش‌های مربوط به نقش جنسیت را در ایران پوشش دهد، یافت نشد. بنابراین، پژوهش حاضر به‌طور خاص به بررسی اندازه اثر متغیر جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی می‌پردازد و قصد دارد تا ترکیب کمی جامعی از پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در چند دهه اخیر در ایران را در تمامی گروه‌های سنی، انواع مهارت‌های زبانی و روش‌های آموزشی ارائه دهد. با به‌کارگیری روش‌ها و استانداردهای مرور نظام‌مند به‌منظور ترکیب نتایج مطالعات اولیه در حوزه آموزش زبان انگلیسی به‌دنبال تلخیص ماهیت یافته‌های پیشین مطالعات صورت گرفته در زمینه تأثیر جنسیت بر عملکرد یادگیری زبان انگلیسی زبان‌آموزان و نیز مطلع ساختن محققان، کارورزان و سیاستگذاران در رابطه با شرایط آموزشی کنونی هستیم. براساس این پیشینه قصد داریم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱. آیا جنسیت بر یادگیری زبان انگلیسی تأثیر دارد؟
۲. آیا تأثیر جنسیت در مؤلفه‌های مختلف یادگیری زبان چون مهارت‌های خواندن، نوشتار، واژگان، گفتار، شنیدار، سبک و راهبردهای یادگیری و غیره یکسان است یا در هر یک از این زیرمجموعه‌ها متفاوت است؟
۳. ماهیت و میزان تغییرپذیری یافته‌ها چیست؟
۴. آیا جنسیت نویسنده اول تأثیری در تعدیل یافته‌ها دارد؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر نتایج کمی حاصل از پژوهش‌های تجربی و نیمه تجربی انجام‌گرفته در زمینه تأثیر جنسیت بر یادگیری زبان انگلیسی را با بهره‌گیری از روش فراتحلیل بررسی می‌کند. به‌منظور اجتناب از سوگیری انتشار که ناشی از انتشار پژوهش‌های دارای تفاوت معنادار و عدم‌انتشار پژوهش‌های غیرمعنادار می‌باشد، از پژوهش‌های چاپ شده و چاپ نشده استفاده گردید و به‌منظور انتخاب پژوهش‌های اولیه ملاک‌های ذیل تعیین شد:

۱. مقالات حاوی مطالعات مربوط به ارتباط میان یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت در داخل ایران انتخاب شد چراکه نقش جنسیت در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است و بررسی مطالعات بین‌فرهنگی خارج از محدوده این مقاله است. همچنین مقالاتی که نتایج حاصل را به جای مقایسه گروه‌ها با یکدیگر با استانداردها و هنجارهای کلی تطبیق داده بودند، کنار گذاشته شد.
۲. مقالات حاوی داده‌های اصلی و کافی برای محاسبه اندازه اثر انتخاب شد. در صورت ناکافی بودن اطلاعات درخواستی طی نامه‌های الکترونیکی به نویسندگان مربوطه ارسال گردید و در صورت عدم‌دریافت پاسخ از سوی نویسندگان مقالات کنار گذاشته شد.
۳. مقالات حاوی نتایج هر دو گروه دخترها و پسرها انتخاب شد. مطالعاتی که داده‌های ناکافی برای محاسبه اندازه اثر در هر یک از گروه‌ها داشتند (میانگین محاسبه شده بدون انحراف معیار و یا بدون آمار استنباطی و حجم نمونه) کنار گذاشته شد.
۴. مقالات حاوی تمام سطوح زبان‌آموزان از ابتدایی تا پیشرفته و نیز آموزش حرفه‌ای و غیررسمی انتخاب شد.
۵. مقالات حاوی گروه‌های بالینی که به‌منظور بررسی اختلالات یادگیری زبان طراحی شده بودند، کنار گذاشته شد.
۶. مقالات حاوی دست کم یکی از عوامل یادگیری زبان انگلیسی و جنسیت انتخاب شد.
۷. مقالات حاوی نتایج یکسان یا قابل قیاس انتخاب شد. مطالعاتی که از آزمون‌های مختلفی برای دو گروه دخترها و پسرها استفاده کرده بودند، کنار گذاشته شد.
۸. مقالات حاوی نتایج مربوط به یک واحد درسی انتخاب شد؛ بنابراین، مقالات مربوط به کل دوره آموزشی کنار گذاشته شد چراکه در دوره‌های متشکل از چند واحد درسی امکان تحلیل شرایط و نتایج مربوط به هر مداخله وجود ندارد.
۹. مقالات چاپ شده از میان مقالات موجود در منابع مختلفی چون مجلات و پایان‌نامه‌ها انتخاب شد.
۱۰. مقالاتی که تا سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده و در دسترس همگان یا بایگانی بودند، انتخاب شد.

مقالات این فراتحلیل از طریق جستجوی جامع پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف گردآوری شد. همچنین به منظور غنی‌تر ساختن مجموعه مورد مطالعه بازه زمانی خاصی برای انتشار مقالات معین نشد. در فراتحلیل حاضر، تمرکز بر روی تحقیقات صورت گرفته درباره یک موضوع واحد است بنابراین جامعه مورد بررسی تمامی مقالات مربوط به نقش جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی می‌باشد. در این مطالعه محققان قصد تمام‌شماری یا بررسی کل جامعه آماری را دارند؛ بنابراین، هدف گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای تلخیص و نتیجه‌گیری مناسب بر مبنای آحاد جامعه است. در نتیجه جامعه آماری دربرگیرنده کلیه پژوهش‌های انجام شده تا سال ۱۳۹۳ می‌باشد. به منظور جستجوی اینترنتی از موتورهای جستجوی Google و Google Scholar استفاده شد و مقالات و پایان‌نامه‌های این فراتحلیل از طریق جستجوی جامع سایت‌های علمی معتبر ایرانی (sid.ir, magiran.ir, irandoc.ir) و پایگاه‌های اطلاعاتی مختلفی چون مجلات تخصصی نور و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و نیز مقالات چاپ شده در سایر مجلات و نشریات معتبر داخلی و خارجی، کنفرانس‌های بین‌المللی به همراه فهرست منابع فراتحلیل‌های پیشین همچون عرفانی‌آداب، مصرآبادی و زوار (۱۳۹۲)، جعفری‌گهر و شریفی (۱۳۹۴) و سایر مقالات برجسته موجود در پیشینه برای انتخاب احتمالی مقالاتی که دارای ملاک‌های انتخاب فراتحلیل حاضر بودند، صورت گرفت. روش‌های مختلفی برای جستجوی مقالات و پایان‌نامه‌ها به کار گرفته شد و واژگان کلیدی بسیاری به منظور جستجوی جامع مطالعات پیشین به کار رفت که دربرگیرنده متغیرهای جنسیت و یادگیری زبان انگلیسی و تمامی کلمات مشابه به دو زبان فارسی و انگلیسی بود.

در مجموع چکیده ۳۱۷ سند گردآوری شده در زمینه نقش جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت و ۲۱۶ مقاله برای مطالعه و ارزیابی کامل انتخاب شد. برای پیشگیری از اشتباهات احتمالی در بازبینی نهایی، پژوهش‌های انتخاب نشده توسط محقق دیگری مورد بررسی قرار گرفت و توافق میان دو ارزیاب در حدود ۹۱ درصد گزارش شد (ضریب کاپای^۱ کوهن = ۰/۸۶). در نهایت ۱۷۷ پژوهش حائز تمامی معیارهای انتخاب تشخیص داده شد و در این فراتحلیل گنجانده شد. ۱۰۱ مورد در بررسی اولیه و ۳۹ مورد در مرحله بررسی کامل مقالات به دلایل مختلف کنار گذاشته شد.

در مقاله حاضر تعریف عملیاتی دقیقی از جنسیت و پیشرفت تحصیلی یا یادگیری زبان انگلیسی ارائه نمی‌شود بلکه مقادیر عینی به دست آمده در پژوهش‌های مختلف همچون آزمون‌های استاندارد، آزمون‌های محقق ساخته و معلم ساخته و یا ترکیبی از آن‌ها که برای ارزیابی میزان دستیابی زبان‌آموزان به اهداف آموزشی (فراگیری زبان) به کار رفته‌اند، ملاک می‌باشد. اغلب مقالات مورد مطالعه شامل فراگیری دانش محتوایی، ارزیابی درک مطلب و کاربرد دانش هستند. ارزیابی میزان

1. Kappa coefficient

انگیزش و نگرش یا اضطراب زبان‌آموزان دختر و پسر نسبت به فراگیری زبان انگلیسی اغلب به صورت واکنش‌های ذهنی، نظرات و یا ارزیابی کل دوره آموزشی گزارش شده است. به منظور محاسبه اندازه اثر از مقادیر عینی حاصل از پرسشنامه‌های انگیزش و نگرش و اضطراب استفاده شد. در مجموع برای بررسی میزان تأثیر جنسیت در یادگیری مهارت‌های زبانی، اندازه اثر پژوهش‌های صورت گرفته با استفاده از مقادیر عینی به دست آمده محاسبه گردید.

اندازه اثر مقالات اولیه جهت بررسی کران و میزان تغییرپذیری آن‌ها با استفاده از داده‌های عددی یا آماری موجود محاسبه شد. شاخص اصلی محاسبه اندازه اثر (d) نسبت تفاوت میانگین نمرات گروه دخترها و پسرها بر واریانس ادغام شده کل نمرات می‌باشد. سپس مقدار d کوهن به مقدار g هجز (تخمین بدون سوگیری) تبدیل شد (هجز و اولکین^۱، ۱۹۸۵) چراکه در تحلیل اندازه اثرها با استفاده از نرم‌افزار امکان بررسی تغییرپذیری نتایج حاصل وجود ندارد. سپس برای محاسبه اندازه اثر به تفکیک هر مداخله از نرم‌افزار فراتحلیل جامع^۲ و ویرایش^۳ (بورنستین، هجز، هیگینز و روتشتین^۳، ۲۰۰۵) استفاده گردید و برای تحلیل داده‌ها از اندازه اثر ترکیبی با دو مدل اثرات ثابت و تصادفی^۴، نمودار کیفی^۵، تحلیل حساسیت، آزمون ناهمگنی^۶ و شاخص آماری امن از تخریب^۷ استفاده گردید. این نکته قابل ذکر است که رویکرد مورد استفاده در این پژوهش جهت جمع‌آوری اطلاعات و محاسبه اندازه اثر رویکرد ترکیب نتایج هانتر، اشمیت و جکسون^۸ (۱۹۸۲) می‌باشد.

واحد تحلیل در این تحقیق یافته‌های مستقل مطالعات می‌باشد که در برخی از آن‌ها چندین اندازه اثر برای موارد مختلفی چون تأثیر جنسیت بر میزان پیشرفت زبان‌آموزان، انگیزش و نگرش آن‌ها محاسبه شد. در برخی از مقالات مورد مطالعه نیز برای هر مورد (میزان پیشرفت زبان‌آموزان) چندین اندازه اثر (مهارت خواندن، نوشتار، یادگیری لغت، تلفظ و ...) قابل محاسبه بود. در مجموع، ۲۸۹ اندازه اثر کلی (۲۶۱۷۲ شرکت‌کننده)، ۲۶۳ اندازه اثر به تفکیک برای گروه دخترها (۱۴۱۱۱ شرکت‌کننده) و ۲۶۳ اندازه اثر برای گروه پسرها (۱۲۰۶۱ شرکت‌کننده) محاسبه گردید.

۳. یافته‌ها

ابتدا تعداد ۲۸۹ اندازه اثر با استفاده از فرمول‌های کوهن و هجز محاسبه گردید (اندازه اثر d با استفاده از فرمول مربوطه به مقدار g تبدیل شد). دلیل زیاد بودن اندازه‌های اثر نسبت به تحقیقات

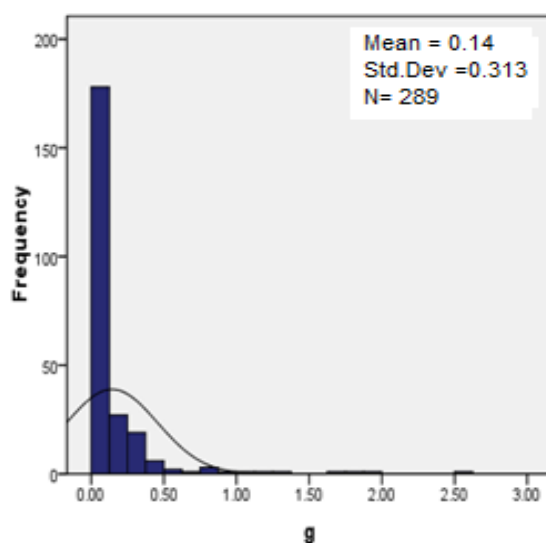
1. Olkin
2. Comprehensive Meta-Analysis
3. Borenstein, Hedges, Higgins, & Rothstein
4. Random and fixed models
5. Funnel plot
6. Heterogeneity
7. Fail-Safe N
8. Hunter, Schmidt, & Jackson

اولیه وجود متغیرهای تعدیل‌کننده، شیوه‌های آموزشی مختلف به کار گرفته شده و شرکت‌کنندگان مقاطع مختلف تحصیلی بود. سپس اندازه اثر میانگین محاسبه شد.

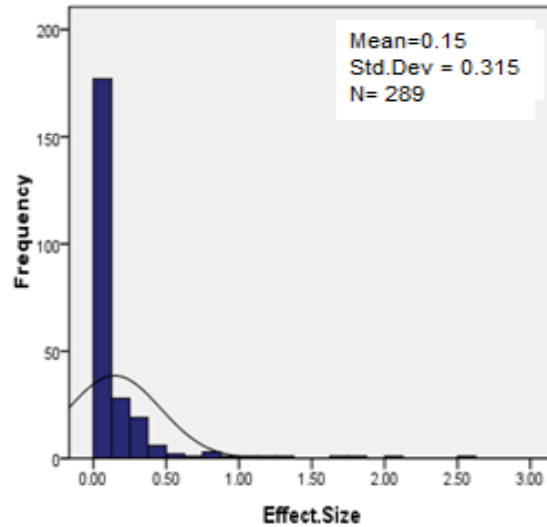
جدول ۱: اندازه اثر رابطه جنسیت و یادگیری زبان انگلیسی

اندازه اثر (مقدار g)		اندازه اثر (مقدار d)	
خطای معیار	g	خطای معیار	d
۰/۳۱۲	۰/۱۴۳۷	۰/۳۱۵	۰/۱۴۵۲
۲۸۹ = جمع کل			

با توجه به جدول ۱ اندازه اثر برابر با ۰/۱۴ می‌باشد که براساس نظام کوهن برای شاخص d اندازه اثر کوچک قلمداد می‌شود. توزیع کلی اندازه اثرهای (مقادیر d و g) مربوط به نقش جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی در نمودارهای ۱ و ۲ آورده شده است که با میانگین ۰/۱۵ و انحراف معیار $\pm 0/31$ برای مقدار d و میانگین ۰/۱۴ و انحراف معیار $\pm 0/31$ برای مقدار g توزیع نرمال نمی‌باشد. با توجه به دامنه اندازه اثرها در تمامی موارد تأثیر اندک اما مثبت جنسیت در یادگیری زبان انگلیسی مشهود است.



نمودار ۱: توزیع ۲۸۹ اندازه اثر مربوط به تأثیر جنسیت (مقدار d)



نمودار ۲: توزیع ۲۸۹ اندازه اثر مربوط به تأثیر جنسیت (مقدار g)

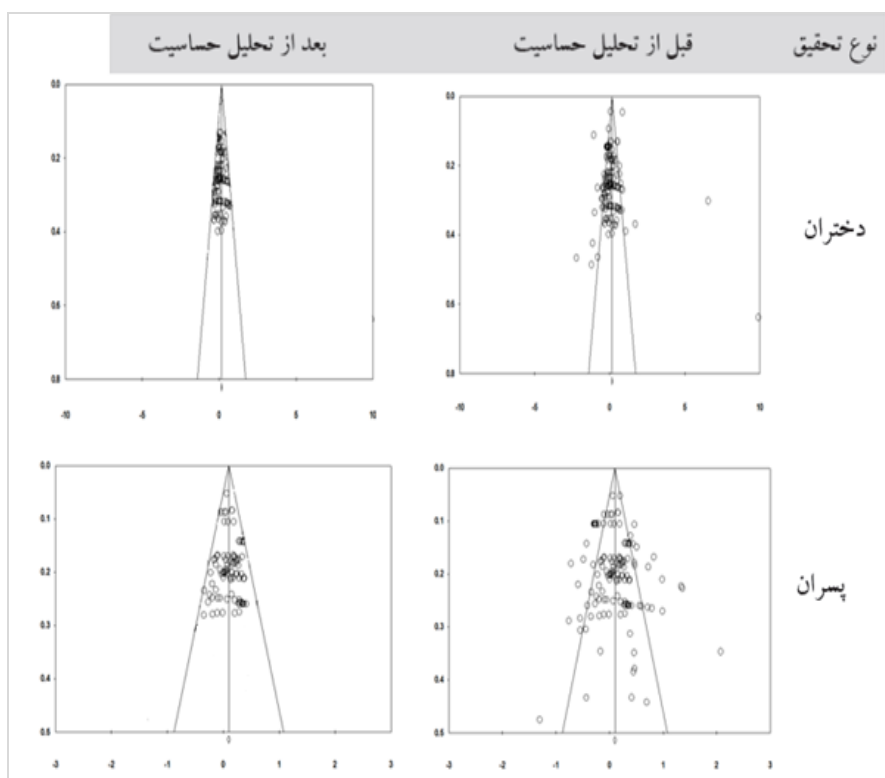
سپس تعداد ۲۶۳ اندازه اثر به تفکیک برای هر دو گروه دخترها و پسرها محاسبه گردید و با استفاده از نرم افزار جامع فراتحلیل مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۲ اندازه اثرهای ترکیبی مدل ثابت و تصادفی پژوهشها را به تفکیک جنسیت قبل از تحلیل حساسیت ارائه می دهد. در گروه دخترها اندازه اثر با مدل تصادفی ۱/۲۲ و در گروه پسرها اندازه اثر با مدل تصادفی ۱/۹ به دست آمد که هر دو آنها در سطح ۰/۰۱ معنادار می باشند. همچنین به طور کلی اندازه اثر مداخله مدل تصادفی هر دو گروه دخترها و پسرها ۱/۹۳ است.

جدول ۲: اندازه اثر ترکیبی مدل ثابت و تصادفی پژوهشها به تفکیک جنسیت قبل از تحلیل حساسیت

مقدار Z	خطای معیار	اندازه اثر ترکیبی	مدل	تعداد اندازه اثر	گروه
۹/۳۶۰	۰/۰۱۷	۱/۱۰۳	ثابت	۲۶۳	دخترها
۲/۱۵۱	۰/۰۵۷	۱/۲۲۳	تصادفی		
۷/۰۹۰	۰/۰۱۴	۱/۱۱۲	ثابت	۲۶۳	پسرها
۴/۴۵۹	۰/۰۲۹	۱/۹۰۸	تصادفی		
۱۱/۴۲۰	۰/۰۱۱	۱/۲۰۶	ثابت	۵۲۶	کل
۴/۹۵۰	۰/۰۲۶	۱/۹۳۱	تصادفی		

$P < 0.01$

برای بررسی تورش انتشار از دو شیوه گرافیکی (نمودار کیفی) و یک شاخص آماری (تعداد امن از تخریب) استفاده شد. ابتدا برای تشخیص مطالعات پرت (مطالعاتی که دارای تورش انتشار هستند) از نمودار کیفی استفاده گردید که نتایج آن در نمودار ۳ نشان داده شده است. با توجه به این نمودار مطالعاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای قیف جمع می‌گردند دارای تورش انتشار نیستند و هرچه مطالعات به سمت پایین کشیده شوند، خطای استاندارد آن‌ها بالا می‌رود و دارای تورش انتشار می‌باشند که نیاز به بررسی دارند. با توجه به نتایج تحلیل حساسیت از بین ۲۶۳ اندازه اثر محاسبه شده برای گروه دخترها ۸۷ اندازه اثر غیرمعنادار تشخیص داده شد و نیز از بین ۲۶۳ اندازه اثر محاسبه شده برای گروه پسرها ۸۳ اندازه اثر غیرمعنادار تشخیص داده شد و از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند.



نمودار ۳: نمودار کیفی تورش انتشار پژوهش‌ها قبل و بعد از تحلیل حساسیت

نمودار فوق نشان می‌دهد که با حذف اندازه‌های اثر افراطی از گروه دخترها تعداد ۱۷۶ اندازه اثر و از گروه پسرها تعداد ۱۸۰ اندازه اثر باقی ماند که دارای تورش انتشار نیستند؛ بنابراین، محاسبه اندازه اثر ترکیبی با استفاده از اندازه اثرهای باقی‌مانده صورت گرفت. براساس نتایج مندرج در جدول

۳ میانگین اندازه اثر ترکیبی مدل ثابت و تصادفی در دخترها و پسرها به ترتیب برابر با ۰/۹۴ و ۰/۹۵ است و هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند. همچنین طبق ملاک کوهن این تأثیر در هر دو گروه دخترها و پسرها در حد زیاد ارزیابی می‌شود.

جدول ۳: اندازه اثر ترکیبی مدل ثابت و تصادفی پژوهش‌ها به تفکیک جنسیت بعد از تحلیل حساسیت

مقدار Z	خطای معیار	اندازه اثر ترکیبی	مدل	واریانس	تعداد اندازه اثر	گروه
۸/۵۱۲	۰/۰۲۷	۰/۹۴۵	ثابت	۱/۵۲	۱۷۶	دختر
۳/۹۹۱	۰/۰۶۲	۰/۹۴۹	تصادفی			
۹/۱۱۳	۰/۰۱۹	۰/۹۵۲	ثابت	۱/۰۶	۱۸۰	پسر
۷/۵۹۲	۰/۰۲۷	۰/۹۵۱	تصادفی			

P < ۰/۰۱

فرا تحلیل‌ها اغلب بر دو مدل آماری مدل اثر ثابت و مدل اثرات تصادفی مبتنی هستند. در مدل اثر ثابت فرض می‌شود که یک اندازه اثر واقعی وجود دارد که زیربنای همه تحلیل‌ها است و همه تفاوت‌های اندازه‌های اثر مشاهده شده در تحقیقات اولیه ناشی از خطای نمونه‌گیری است. در مقابل، در مدل اثرات تصادفی فرض می‌شود اندازه اثر واقعی از تحقیقی به تحقیقی دیگر در حال تغییر است. یکی از علل اصلی این تغییر وجود متغیرهای مداخله‌کننده در روابط بین متغیر مستقل و وابسته است (بورنستین و همکاران، ۲۰۰۹). در هر فراتحلیل ممکن است متغیرهای تعدیل‌کننده‌ای وجود داشته باشد که رابطه بین دو متغیر مورد بررسی را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال، ممکن است متغیرهایی چون سن، طبقه اجتماعی، رشته تحصیلی، روش تدریس و بهره هوشی روابط مورد بررسی را تعدیل کند. به این منظور، از آزمون مجذور کای (χ^2) برای بررسی همگنی نتایج استفاده گردید. در این پژوهش مقدار آزمون همگنی هر دو گروه دخترها و پسرها نشان داد که کل داده‌های مورد استفاده جهت انجام فراتحلیل و محاسبه اندازه اثر همگن هستند. معنادار نبودن مقدار مجذور کای نشان‌دهنده خالص بودن رابطه بین دو متغیر است. به عبارت دیگر، همگن بودن نشان می‌دهد که متغیرهای مداخله‌گر بین این دو متغیر وجود ندارد و اندازه اثر محاسبه شده دقیق می‌باشد. نتایج آزمون همگنی پژوهش‌ها به تفکیک جنسیت در جدول ۴ آورده شده است. همچنین مقدار شاخص آماری تعداد امن از تخریب (تعداد مطالعات گمشده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند) نشان می‌دهد که در گروه دخترها ۲۴۱۵ مورد مطالعه غیرمعنادار و در گروه پسرها تعداد ۱۸۹۲ مورد مطالعه غیرمعنادار لازم است تا سطح معناداری موجود از ۰/۰۰۱ به بالای ۰/۰۵ برسد.

جدول ۴: نتایج آزمون همگنی پژوهش‌ها به تفکیک جنسیت

جنسیت	مقدار χ^2	درجه آزادی χ^2	سطح معناداری χ^2	S-F
دخترها	۵۳/۲۱۲	۱۷۵	۰/۲۵۶	۲۴۱۵
پسرها	۲۸/۳۱	۱۷۹	۰/۳۳۸	۱۸۹۲

به‌منظور بررسی معناداری تفاوت دخترها و پسرها در اندازه اثرها به تفکیک مؤلفه‌های فراگیری زبان انگلیسی از آزمون تی مستقل استفاده گردید. با توجه به نتایج جدول ۵ سطح معناداری آزمون در تمام ابعاد مورد بررسی بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت تفاوت معناداری در اندازه اثرهای مربوط به مؤلفه‌های مختلف یادگیری زبان بین دخترها و پسرها وجود ندارد.

جدول ۵: نتایج آزمون تی مستقل در اندازه اثرهای گروه دخترها و پسرها

مؤلفه‌های یادگیری	گروه	تعداد	میانگین	t	سطح معناداری (دوسویه)
خواندن	دختر	۲۵	۰/۰۴۵۱	۰/۰۳۰	۰/۹۷۷
	پسر	۲۵	۰/۰۳۹۹		
اضطراب	دختر	۱۸	۰/۳۰۸۴	-۰/۱۲۳	۰/۹۰۳
	پسر	۱۸	۰/۳۳۱۸		
گفتار	دختر	۳۴	۰/۱۶۵۹	-۰/۰۷۱	۰/۹۴۴
	پسر	۳۴	۰/۱۷۸۴		
لغت	دختر	۲۲	۰/۰۲۷۵	-۰/۰۴۰	۰/۹۶۹
	پسر	۲۲	۰/۰۳۴۰		
نوشتار	دختر	۱۱	۰/۱۶۲۵	-۰/۲۲۸	۰/۸۲۲
	پسر	۱۱	۰/۱۳۳۰		
شنیدار	دختر	۱۰	۰/۸۹۶۲	۰/۰۳۰	۰/۹۷۷
	پسر	۱۰	۰/۵۰۷۷		
نگرش	دختر	۳۳	۰/۲۰۳۲	-۰/۳۷۰	۰/۷۱۳
	پسر	۳۳	۰/۲۳۷۱		
انگیزش	دختر	۱۵	۰/۱۵۰۵	۰/۰۲۰	۰/۹۸۴
	پسر	۱۵	۰/۱۵۳۷		
سبک یادگیری	دختر	۱۳	۰/۷۴۶۰	۰/۳۵۹	۰/۷۲۳
	پسر	۱۳	۰/۴۳۲۸		
راهبردهای یادگیری	دختر	۵۷	۰/۰۲۵۸	-۰/۰۷۱	۰/۹۴۴
	پسر	۵۷	۰/۰۲۹۷		
هوش چندگانه	دختر	۱۵	۰/۱۰۹۷	-۰/۰۳۰	۰/۹۷۶
	پسر	۱۵	۰/۱۱۲۷		

جهت پیشگیری از هرگونه سوگیری جنسیتی، تأثیر جنسیت نویسنده اول در یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا مقالات به دو دسته تقسیم شدند: مقالاتی که نویسنده اول آن‌ها مرد و مقالاتی که نویسنده اول آن‌ها زن بودند. سپس با استفاده از آزمون تی مستقل میانگین اندازه اثرهای مشاهده شده بین نویسندگان مرد و زن مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۶ میانگین اندازه اثر ۹۸ مطالعه صورت گرفته توسط نویسنده اول مرد برابر با ۰/۱۶ و میانگین اندازه اثر ۷۹ مطالعه صورت گرفته توسط نویسنده اول زن برابر با ۰/۱۴ محاسبه شد که به لحاظ آماری تفاوت معناداری ندارند چراکه هر دو اندازه اثر تقریباً برابر با صفر می‌باشند. همچنین سطح معناداری آزمون برابر با ۰/۶۴ می‌باشد که بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت جنسیت نویسنده در یافته‌ها بی‌تأثیر است.

جدول ۶: نتایج آزمون تی مستقل در بررسی تأثیر جنسیت نویسنده اول در یافته‌ها

نویسنده اول	تعداد	میانگین	t	سطح معناداری (دوسویه)
مرد	۱۷۱	۰/۱۶۴	۰/۴۶۲	۰/۶۴۵
زن	۱۱۸	۰/۱۴۵		

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف فراتحلیل حاضر گردآوری نتایج بیش از دو دهه پژوهش در زمینه نقش جنسیت به‌عنوان عاملی اجتماعی در یادگیری زبان انگلیسی برای اولین بار در نظام آموزشی ایران به‌منظور خاتمه بخشیدن به اختلاف‌نظرهای موجود در این زمینه بود. اگرچه عامل جنسیت در اصل جنبه بیولوژیکی دارد، اما مردان و زنان نقش اجتماعی یکسانی ندارند و نیز فرایند اجتماعی شدن آن‌ها به‌گونه‌ای متفاوت رخ می‌دهد که منجر به شکل‌گیری الگوهای رفتاری مختلف در این دو گروه می‌شود؛ بنابراین، جنسیت همواره تحت تأثیر عناصر اجتماعی بوده است به‌طوری‌که یادگیری مهارت‌های کلامی نیز تحت تأثیر این عناصر می‌باشد.

در مجموع، مهم‌ترین یافته فراتحلیل حاضر بررسی کران اندازه اثرها بدون در نظر گرفتن داده‌های پرت در مقیاس یادگیری زبان انگلیسی بود که با استفاده از فرمول‌های کوهن و هجز صورت گرفت و نشان‌دهنده میزان تغییرپذیری محدود اما مثبت مقادیر مربوط به تأثیر عامل جنسیت بود به‌طوری‌که دامنه اندازه اثر (g) با میانگین ۰/۱۴ بدون در نظر گرفتن داده‌های پرت از ۰ تا ۲/۵۸ گسترده بود؛ یعنی در تمامی موارد جنسیت تأثیر مثبتی بر فراگیری زبان انگلیسی داشته است و هیچ‌گاه این تأثیر منفی نبوده است؛ اما اندازه متوسط آن بسیار جزئی و تقریباً نزدیک به صفر است. بررسی اندازه اثرها به تفکیک برای گروه دخترها و پسرها با استفاده از نرم‌افزار جامع فراتحلیل در مرحله قبل از تحلیل حساسیت نشان داد که در این پژوهش‌ها پسرها بیشتر از دخترها به اهداف

آموزشی دست یافته‌اند اما بعد از تحلیل حساسیت و حذف مطالعات دارای کیفیت پایین اندازه اثر در دو گروه تقریباً برابر شد. نتایج نشان داد که اندازه اثرهای به‌دست‌آمده براساس ملاک کوهن بزرگ هستند ولی در مورد یادگیری زبان انگلیسی تفاوت معناداری میان زبان‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد؛ بنابراین، هم در نتایج کلی بررسی اندازه اثرها و هم در نتایج تفکیک شده براساس جنسیت هیچ تفاوت معناداری مشاهده نشد. تأثیر عامل جنسیت به تفکیک مؤلفه‌های فراگیری زبان انگلیسی نیز مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه در این مرحله نیز تفاوت معناداری میان دو گروه مشاهده نشد، با بررسی آمار توصیفی یافته‌ها دو گروه در مهارت گفتار، هوش چندگانه و انگیزش دارای میانگین یکسان بودند؛ اما در مهارت‌های خواندن، نوشتار، شنیدار و سبک یادگیری گروه دخترها دارای میانگین نسبتاً بالاتری بودند و در مهارت‌های واژگان، راهبردهای یادگیری و عوامل مربوط به نگرش و اضطراب گروه پسرها دارای میانگین بالاتری بودند. همچنین به‌منظور اجتناب از هرگونه سوگیری جنسیتی، تأثیر جنسیت نویسنده اول در یافته‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت و میانگین اندازه اثر مطالعات صورت گرفته توسط نویسندگان زن و مرد محاسبه گردید که به لحاظ آماری تفاوت معناداری وجود نداشت و جنسیت نویسنده در یافته‌ها بی‌تأثیر بود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ تفاوتی میان دخترها و پسرها از لحاظ مهارت‌های فراگیری زبان انگلیسی وجود ندارد چراکه تفاوت جنسیتی برابر با ۰/۳ از یک انحراف معیار نمی‌تواند مبنای مناسبی برای نظریه‌پردازی باشد.

البته باید توجه داشت که نتایج این فراتحلیل ترکیبی برگرفته از یافته‌های مطالعات سایر نویسندگان است که اغلب براساس نظریه‌های یادگیری شناخته شده در زمینه یادگیری مهارت‌های زبانی نیستند و نیز برخی از این مطالعات براساس یافته‌های سایر پژوهش‌ها می‌باشند (مک‌اسپورن و یانگ^۱، ۲۰۰۱). در مجموع تعداد اندکی از مطالعات مورد بررسی بر پایه نظریه‌های شناخته شده در زمینه یادگیری زبان دوم و تأثیر جنسیت می‌باشند. اگرچه در این مطالعات نیز به جزئیات متغیر جنسیت و تأثیر آن پرداخته نشده است. چنین مبنای نظری ضعیفی می‌تواند علت فراوانی مطالعات تک‌متغیره و کمبود مطالعات چند متغیره باشد. بسیاری از پژوهش‌های اولیه بدون در نظر گرفتن سایر متغیرهای احتمالی که می‌توانند در تعامل با جنسیت بر متغیر وابسته تأثیرگذار باشند، اثر متغیر جنسیت را سنجیده بودند؛ بنابراین، فقدان پایه نظری مناسب در بسیاری از پژوهش‌ها و عدم جهت‌گیری چند متغیری می‌تواند بخشی از عدم تأثیر یا تأثیر اندک عامل جنسیت را توجیه کند.

تفاوت‌های جنسیتی معناداری در مطالعات پیشین گزارش شده است (رحمتیان و اطرشی، ۱۳۸۶؛ ذوقی، کاظمی و کلانی، ۲۰۱۳؛ زینالی، ۲۰۱۲؛ اوری، بولاک و بورناسکا^۲، ۱۹۹۷). نتایج فراتحلیل حاضر با این یافته‌ها و به‌ویژه با ادعای لیکاف (۱۹۷۵) مبنی بر اینکه فراگیری زبان امری

1. McSporrان & Young
2. Ory, Bullock, & Burnaska

کاملاً وابسته به عامل جنسیت می‌باشد، همسو نیست. علت اصلی این تناقض را می‌توان فقدان مبنای تجربی در پژوهش‌های پیشین و به ویژه در مطالعه صورت گرفته توسط لیکاف دانست. در واقع ادعای لیکاف نه براساس جمع‌آوری داده‌های برگرفته از مکالمات مردان و زنان بلکه بر مبنای مشاهدات شخصی از کاربرد زبان توسط دوستان و همسالان او بوده است که حتی مورد انتقاد بسیاری از محققان معاصر او قرار گرفت (دابویس و کراچ، ۱۹۷۵)؛ بنابراین، عدم همسویی نتایج مطالعات برگرفته از داده‌های تجربی با برداشت فردی برگرفته از مشاهدات محدود قابل توجهی می‌باشد.

اگرچه پژوهش‌های زیادی به برتری زنان در مهارت‌های کلامی اشاره کرده‌اند (تسه، چان، لی و کوانگ، ۲۰۰۲؛ اریکسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۲)، اما به نظر می‌رسد این برتری در همان دوران کودکی از بین می‌رود چراکه در مطالعات مربوط به تأثیر تفاوت جنسیتی مهارت‌های کلامی و ساختار و عملکرد مغز در پردازش زبان بزرگسالان این امر به‌طور مستقیم ثابت نشده است و در صورت وجود چنین تفاوتی نیز امکان تشخیص آن با روش‌ها و ابزارهای تحقیق کنونی وجود ندارد. بررسی این تفاوت‌ها نیازمند روش‌های بسیار پیچیده‌تری نسبت به تحلیل‌های زبانشناختی کنونی است (کیتازاوا و کانساکو^۴، ۲۰۰۵). البته به‌کارگیری این روش‌ها نیز مستلزم ارائه نظریه‌های پیچیده‌تری مبنی بر لزوم وجود چنین تفاوت‌های جنسیتی در مورد پردازش زبان زنان و مردان در هر یک از مؤلفه‌های مربوط به یادگیری زبان است. در حال حاضر چنین ارتباطی میان روش‌ها و نظریه‌های موجود وجود ندارد. این نکته حائز اهمیت است که ویژگی‌های اجتماعی، زبانشناختی و فرهنگی همواره باید در مطالعات مربوط به تفاوت‌های جنسیتی لحاظ شود. همچنین باید توجه داشت که اغلب فرایندهای زبانی بسیار پیچیده هستند؛ بنابراین، باید از روش‌های پیچیده و گزارش‌های پدیدارشناختی روش حل مسائل برای یافتن تفاوت‌های مربوط به نوع حل مسائل زبانی بهره برد (جک و رپستورف^۵، ۲۰۰۲)؛ اگرچه روایی چنین روش‌هایی اندکی بحث‌برانگیز است.

فراتحلیل‌های پیشین (ایگلی و کارلی، ۱۹۸۱؛ هاید و لین، ۱۹۸۸) تأثیر معنادار جنسیت محققان را گزارش کرده بودند؛ به این معنی که محققان باورهای قبلی خود و یا کلیشه‌های مربوط به جنسیت را در تفسیر نتایج نهایی اعمال می‌کنند. در این فراتحلیل با مقایسه نتایج مطالعات انجام شده توسط نویسندگان زن و مرد تفاوت معناداری مشاهده نشد و از آنجایی که هر دو اندازه اثر نزدیک صفر بود (۰/۱۴ و ۰/۱۶)، می‌توان نتیجه گرفت که جنسیت نویسنده نقش تعیین‌کننده‌ای در یافته‌ها ایفا نمی‌کند. به نظر می‌رسد که متغیرهای اجتماعی و روانشناختی بیشتر از متغیرهای

1. Dubois & Crouch
2. Tse, Chan, Li, & Kwong
3. Eriksson
4. Kitazawa & Kansaku
5. Jack & Roepstorff

مربوط به توانایی در معرض چنین سوگیری‌هایی هستند چراکه در این نوع مطالعات پژوهشگر بخشی از محیط اجتماعی مورد مطالعه می‌باشد اما در سنجش توانایی اغلب از آزمون‌های استاندارد استفاده می‌شود و پژوهشگر کمترین تعامل را با شرکت‌کنندگان دارد.

به‌طور کلی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در حال حاضر و با دانش کنونی در فرهنگ مورد بررسی کشورمان و با روش‌های اندازه‌گیری استاندارد موجود هیچ تفاوتی میان دخترها و پسرها از لحاظ مهارت‌های فراگیری زبان انگلیسی مشاهده نشد و دلیلی برای آموزش متفاوت این دو گروه وجود ندارد و حتی در دقیق‌ترین مطالعات صورت گرفته براساس پیچیده‌ترین مدل‌های توانایی‌های کلامی نیز جنسیت نباید به‌عنوان عاملی مداخله‌گر در بررسی توانایی‌های زبانی مطرح شود؛ بنابراین، به‌منظور توجیه تفاوت‌های جنسیتی عمده موجود در پیشرفت شغلی و کسب قدرت در جامعه کنونی باید به‌دنبال دلایل دیگری باشیم.

منابع

- آقااحمدی، قربان‌علی و مبشرنیا، رضا. (۱۳۸۶). «ارزیابی نگرش دانشجویان نسبت به زبان انگلیسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی غرب مازندران». *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۴(۴)، ۲۷-۵۰.
- پورشعبانی، هائده، قلی‌زاده، فاطمه و اسحاق‌نیموری، فروغ. (۱۳۹۱). *رابطه اضطراب رایانه دانش‌آموزان دوره متوسطه با رشته تحصیلی، جنسیت و پیشرفت درسی زبان انگلیسی*. اولین همایش ملی حسابداری و مدیریت. دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور.
- پیشقدم، رضا. (۱۳۸۷). «ارتباط راهبردهای یادگیری زبان انگلیسی با جنسیت و راهبردهای غالب یادگیری زبان انگلیسی در زبان آموزان ایرانی». *دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ۵۱(۲۰۸)، ۲۵-۵۴.
- رحمتیان، روح‌الله و اطرش، محمدحسین. (۱۳۸۶). «بررسی نقش جنسیت در فرایند یادگیری زبان خارجی». *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۵، ۱۵-۲۶.
- صدیقی، فیروز؛ پورگیو، فریده و قنواتی، مهناز. (۱۳۸۴). «نقش جنسیت در شخصیت‌های تکانشی-تأملی بر یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان*، ۱۷(۱۴)، ۱۱-۳۰.
- جعفری‌گهر، منوچهر و شریفی، مریم. (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر آموزش تلفیقی در مقایسه با روش آموزش سنتی بر یادگیری زبان انگلیسی». *آموزش عالی ایران*، ۷(۳)، ۱۱۹-۱۴۸.
- عرفانی‌آداب، الهام، مصرآبادی، جواد و زوار، تقی. (۱۳۹۲). «اثر بخشی آموزش راهبردهای یادگیری بر پیشرفت تحصیلی: پژوهش فراتحلیلی با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده جنسیت». *مجله اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۱۱)، ۱-۳۲.
- فرامرزی‌پور، نوشین و توحیدی، افسانه. (۱۳۹۳). *مقایسه یادگیری ریاضیات و زبان انگلیسی بر حسب جنسیت. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات رفتاری*.
- گراوند، هوشنگ، سبزیان، سعیده، کامکار، پیمان و کرمی، شجاع. (۱۳۹۳). «نقش کارکردهای سبک تفکر بر یادگیری خودراهبر و گرایش به تفکر انتقادی». *دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۲(۱۴)، ۱۷-۳۰.
- مهین‌پو، بابک. (۱۳۹۲). *نقش و رابطه بین هوش چندگانه یادگیرندگان و موفقیت در یادگیری زبان دوم (زبان انگلیسی)*. کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی.
- Ashton, R. and McFarland, K. (1991). "A simple dual-task study of laterality, sex-differences and handedness". *Cortex*, 27(1), 105-109.
- Astleitner, H. and Steinberg, R. (2005). "Are there gender differences in web-based learning? An integrated model and related effect sizes". *AACE Journal*, 13(1), 47-63.

- Bergvall, V.B.; Bing, J. and Freed, A. (1996). *Rethinking language and gender research: Theory and practice*. London: Longman.
- Borenstein, M.; Hedges, L.; Higgins, J. and Rothstein, H. (2005). *Comprehensive Meta-Analysis Version 2*. Englewood, NJ: Biostat.
- Borenstein, M.; Hedges, L. V.; Higgins, J. P. T. and Rothstein, H. R. (2009). *Introduction to Meta-Analysis*. John Wiley & Sons, Ltd, UK.
- Bucholtz, M.; Liang, A. C. and Sutton, L. A. (Eds.) (1999). *Reinventing identities: The gendered self in discourse*. New York: Oxford University Press.
- Cameron, D. (1998). *The Feminist critique of language: A reader*. London: Routledge.
- Cohen, J. (1988). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Dubois, B. L. and Crouch, I. (1975). "The question of tag questions in women's speech: They don't really use more of them, do they?". *Language in Society*, 4(03), 289-294.
- Eagly, A. H. and Carli, L. L. (1981). "Sex of researchers and sex-typed communications as determinants of sex differences in influence-ability: A meta-analysis of social influence studies". *Psychological Bulletin*, 90(1), 1-20.
- Eriksson, M.; Marschik, P. B.; Tulviste, T.; Almgren, M.; Pérez Pereira, M.; Wehberg, S. and Gallego, C. (2012). "Differences between girls and boys in emerging language skills: evidence from 10 language communities". *British Journal of Developmental Psychology*, 30(2), 326-343.
- Gannon, L. (2002). "A critique of evolutionary psychology". *Psychology, Evolution, & Gender*, 4(2), 173-218.
- Halpern, D. F. (2000). *Sex differences in cognitive abilities*. Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.
- Hedges, L. V. (1982). "Estimation of effect size from a series of independent experiments". *Psychological Bulletin*, 92(2), 490-499.
- Hedges, L. V., Olkin, I. (1985). *Statistical methods for meta-analysis*. Orlando, FL: Academic Press.
- Holmes, J. (1991). "Language and gender: A state-of-the-art survey article". *Language Teaching*, 24(4), 207-220.
- Hunter, J. E.; Schmidt, F. L. and Jackson, G. B. (1982). *Meta-analysis: Cumulating research findings across studies*. Beverly Hills: Sage.
- Hyde, J. S. (1982). "How large are cognitive gender differences? A meta-analysis using w2 and d". *American Psychologist*, 36(8), 892-902.
- Hyde, J. S. and Linn, M. C. (1988). "Gender differences in verbal ability: A meta-analysis". *Psychological Bulletin*, 104(1), 53-69.
- Jack, A. I. and Roepstorff, A. (2002). "Introspection and cognitive brain mapping: From stimulus-response to script-report". *Trends in Cognitive Sciences*, 6(8), 333-339.
- Kitazawa, S. and Kansaku, K. (2005). "Sex difference in language lateralization may be task-dependent". *Brain*, 128(5), E30-E30.
- Kolb, B. and Whishaw, I. Q. (2001). *An introduction to brain and behavior*. New York: Worth Publishers.

- Lakoff, R. (1975). *Language and woman's place*. New York, NY: Harper & Row.
- Maccoby, E. E. and Jacklin, C. N. (1974). *The psychology of sex differences*. Stanford: Stanford University Press.
- McSporryan, M. and Young, S. (2001). "Does gender matter in online learning?". *Research in Learning Technology*, 9(2), 3-11.
- Medland, S. E.; Geffen, G. and McFarland, K. (2002). "Lateralization of speech production using verbal/manual dual tasks: Meta-analysis of sex differences and practice effects". *Neuropsychologia*, 40(8), 1233-1239.
- Mildner, V. (2008). *The Cognitive Neuroscience of Human Communication*. New York: Lawrence Erlbaum Associates.
- Newman, M. L.; Groom, C. J.; Handelman, L. D. and Pennebaker, J. W. (2008). "Gender differences in language use: An analysis of 14,000 text samples". *Discourse Processes*, 45(3), 211-236.
- Ory, J. C.; Bullock, C. and Burnaska, K. (1997). "Gender similarity in the use of and attitudes about ALN in a university setting". *Journal of Asynchronous Learning Networks*, 1(1), 39-51.
- Pinker, S. (2007). *The stuff of thought*. London: Allen Lane.
- Rosenthal, R. and Rubin D. B. (1982b). "Further meta-analytic procedures for assessing cognitive gender differences". *Journal of Educational Psychology*, 74(5), 708-712.
- Tse, S. K.; Chan, C.; Li, H. and Kwong, S. M. (2002). "Sex differences in syntactic development: Evidence from Cantonese-speaking preschoolers in Hong Kong". *International Journal of Behavioral Development*, 26(6), 509-517.
- Wallentin, M. (2009). "Putative sex differences in verbal abilities and language cortex: A critical review". *Brain and Language*, 108(3), 175-183.
- Wood, J. T. (2007). *Gendered lives: Communication, gender, and culture* (7th ed.). Belmont, CA: Wadsworth.
- Zeynali, S. (2012). "Exploring the gender effect on EFL learners' learning strategies". *Theory and Practice in Language Studies*, 2(8), 1614-1620.
- Zoghi, M.; Kazemi, S. A. and Kalani, A. (2013). "The effect of gender on Language Learning". *Journal of Novel Applied Sciences*, 2(4), 1124-1128.